

پرواز بندباز (۱۳۸۹-۹۰)

او را راهی

رو به رو پلکانی

پیش رو آرام به آن سو

قدم‌هایش، پیماید رهنمایش

برآید راهی بیاید

نگاهش پژمان

پاهایش لرزان

گامش هراسان اما لب‌هایش خندان

اما باید گامی بردارد

تا خنده نشاند

در اوج راهی

راهی گه گاهی

نیاز همراهی

سینه‌اش سنگین

سکوتی غمگین

گریزد از آنچه با آن رو به روست

شور و وحشت

امید و حسرت

در ذهن و یاد اوست

اما شاید فردایی بهتر

در انتظار اوست

پژواک سرور

سرکش و مغرور

گذرد از آنچه با آن رو به روست

دیده محصور، نیرنگ غرور

یک دنیا زیر پای اوست

ناگه می‌تازد، بندی می‌بازد

پایان بر رویاهای اوست

چهره‌اش در هم فکرش مستحکم

امیدی در چشمان اوست

چاره‌ای سازد

بالی پردازد

آغازی بر پرواز اوست

آغازی بر پرواز اوست

بر پرواز پر راز اوست